

کندوکاوی در طرح اصلاحیه قانون مطبوعات ■ مطبوعات، نظام جامع لازم دارند

کمیسیون حقوق بشر اسلامی

مقدمه

۱- پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مبنای قانونی نظام اجتماعی جدید تصریح گردید که «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (و بی‌ضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم)» همچنین در تعیین وظایف کلان حکومت اسلامی در اصل سوم قانون اساسی

مقرر گردید که «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش از جمله اهدافی است که همه امکانات باید در جهت حصول به آنها به کار گرفته شود». متقابلاً قانون اساسی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی

عادی قوانینی را وضع نمود تا در عمل مبنای اقدام مجریان امور در بخش اجرائی و قضائی قرار گیرد. همچنین تعداد زیادی از شهروندان از بدو پیروزی انقلاب تلاش‌های متنوعی به عمل آوردند تا با بهره‌مندی از حقوق مزبور در فعالیت‌های مطبوعاتی وارد شوند. وقوع جنگ تحمیلی و فشارهای مختلف خارجی نیز مانع آن نشد که قانون‌گذار آزادی‌های عمومی در عرصه مطبوعات را به رسمیت نشناسد، اگرچه در عمل مشکلات و نارسایی‌ها همواره خود را نشان داده است. در ادامه این روند بعد از تحولات سیاسی اجتماعی دو ساله اخیر در کشور، شور و نشاط بیشتری در بهره‌مندی از حق مزبور و اجرای دقیق قانون اساسی در جامعه شکل گرفت و همین امر به‌طور طبیعی اختلاف نظرها را برانگیخت. به موازات فعالیت جدی‌تر مسطبوعات در اطلاع‌رسانی صریح و عملکرد نهادهای رسمی در قبال مطبوعات، ضعف‌های قانونی و مشکلات عملی نیز بهتر خود را نمایاند و در یک چنین وضعیتی ضرورت چاره‌جویی برای رفع ضعف‌های قانونی یا عملی اهمیت وافر یافت. طرح اصلاح قانون مطبوعات بنا به آنچه پیشنهاد دهندگان محترم ابراز داشته‌اند در صدد رفع ضعف‌هاست. صرف نظر از هرگونه داوری در مورد

برعهده مردم و دولت نهاد تا در همه سطوح نظارت عمومی اعمال شود و زمینه هرگونه مفسده‌ای از جامعه اسلامی رخت بریندد (اصل هشتم).

۲- به یقین در دنیای امروز از جمله مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام و زمینه‌سازی رشد آگاهی‌های عمومی و اعمال وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر، مطبوعات هستند. انتشار مطبوعات آزاد، به جر آن که تجلی آزادی بیان در هر جامعه‌ای است به خودی خود از پویایی و نشاط آن جامعه خبر می‌دهد و زمینه مساعدی برای تضارب آرا و اندیشه‌ها و کمک به وفاق ملی و همبستگی عمومی جامعه است، به همین دلیل در عموم اسناد حقوق بشر از جمله اعلامیه اسلامی حقوق بشر برگسترش آزادی اطلاع رسانی تأکید شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل ۲۴ صراحتاً اعلام داشته که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی شده». همچنین کیفیت رسیدگی به جرایم مطبوعات نیز در اصل ۱۶۸ قانون اساسی تصریح شده که می‌باید به‌طور علنی و با حضور هیئت منصفه و در محاکم دادگستری انجام پذیرد.

۳- در اجرای اصول قانون اساسی طی دو دهه جمهوری اسلامی، قانون‌گذار



تجسس می‌باشد. البته به دلیل این که ضمانت اجرایی در این تبصره پیش‌بینی نشده ممکن است مبنای این استدلال قرار گیرد که به هر حال اگر مدیر مسئول منبع خبر خود را ذکر نکرد هم مشکلی در عمل ایجاد نخواهد شد.

- تبصره دو مبهم است و معلوم نیست آیا منظور مدیر مسئول است یا منبع خبر، همچنین در مورد انفصال خدمت موقت سوای آن که روشن نیست آیا منظور انفصال از خدمات دولتی است یا به‌طور کلی خدمات عمومی، از طرف دیگر نیز معلوم نیست منظور از موقت حداکثر چه مدت می‌باشد. به علاوه مقام غیردولتی بی‌مجازات مانده است.

- تبصره ۳ هیچ ارتباطی به ماده ۵ ندارد. بحثی است که در قانون حمایت از مؤلفان پیش‌بینی شده است. اگر هم در قانون مزبور در موردی نارسایی وجود داشت بهتر است در همان قانون رفع نارسایی صورت پذیرد.

ماده ۳ پیشنهادی در اصلاح ماده ۸ قانون مطبوعات

- معیار قرار دادن توانایی مالی در امور فرهنگی بی‌مورد است. ضمن این که نمی‌توان کسی را از اشتغال دلخواه به‌خصوص در امور فکری و فرهنگی وقتی که همه شرایط قانونی را بهره‌مند است منع کرد. بدیهی است اگر مدیر مسئول نشریه‌ای نتواند در موعد مقرر نشریه را عرضه کند تابع ضوابط قانون

علل و عوامل پیشنهاد اصلاحیه مطرح در مجلس، با این امید که نقد و بررسی اصلاحیه مزبور کمکی در جهت ارتقای، رعایت آزادی بیان و اجرای دقیق‌تر قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد و زمینه تصویب نظام جامعی در خصوص مطبوعات را فراهم آورد. ذیلاً به‌طور اجمال مواد طرح اصلاحی مورد بررسی قرار گیرد:

تبصره ۲ پیشنهادی بر ماده ۱ قانون مطبوعات

- قسمت اول که گفته شده «نشریه‌ای که مشمول این ماده نبوده، جزو بدیهیات است و مطلب زائدی است.»
- قسمت آخر که عبارت «سایر مواد این قانون را رعایت نکند»، ذکر شده است نامربوط و کلی است و ابهامات متعددی را در بردارد که خود می‌تواند زمینه‌ساز عدم رعایت نظام قاعده‌مند مطبوعات شود.

تبصره پیشنهادی برای الحاق به ماده ۵ قانون مطبوعات

- مشخص نیست که چرا تبصره‌های پیشنهادی برای الحاق به ماده ۵ ارائه شده است.
- تبصره یک ایراد عبارتی دارد و مرجع ضمیر «آنان» به خوبی روشن نیست.
- قسمت آخر تبصره یک که مدیر مسئول را ملزم به اعلام منابع خبری خود می‌کند خلاف اصول است و نوعی تجویز

مطبوعات است که از جمله امتیازش لغو می‌شود.

- قسمت آخر پیشنهاد اگر منظور احراز ارتکاب جرم باشد که ضوابط آن در قوانین پیش‌بینی شده است ولی اگر صرف اخذ کمک، تخلف تلقی گردد مشکل‌ساز است. چراکه در خیلی موارد نشریه یا مجله‌ای در موضوعات خاص بهداشتی، درمانی یا رشته‌های دیگر علوم منتشر می‌شود که از مؤسسات علمی پژوهشی خارج کشور نیز کمک می‌گیرند، فلذا نمی‌توان به‌طور عام هر کمکی را منع کرد.

ماده ۴ پیشنهادی در مورد ماده ۹ قانون مطبوعات

- مورد بند (ب) تفاسیر متعددی را به دنبال خواهد داشت و مشکلات عملی مختلفی ایجاد خواهد کرد به علاوه تحصیل حاصل است چرا که اگر کسی بند ۴ ماده ۹ فعلی را رعایت نکنند ضمانت اجرا به‌طور مشخص پیش‌بینی شده است. برابر قواعد کلی تا عدم التزام فردی به قوانین براساس حکم مرجع صالحه قضائی صادر نشده باشد اصل بر برائت وی است و امکان بهره‌مندی وی از همه حقوق شهروندی وجود دارد.

- مورد بند (ج) خیلی مبهم و کلی است و نقض حقوق انسانی است چرا که حتی مشاغل جزئی مرتبط در روند نشر

مطبوعات را نیز در بر می‌گیرد.

ماده ۵ پیشنهادی برای الحاق تبصره‌ای به ماده ۹ قانون مطبوعات

- منظور از گروه‌های ضد انقلاب روشن نیست و ممکن است تفاسیر متعددی به دنبال داشته باشد که نقض حقوق مردم را باعث شود.

- منظور از گروه‌های فاقد مجوز قانونی نیز روشن نیست برابر اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.

- عبارت محکومان دادگاه‌های انقلاب نیز خیلی کلی است. اگر تصریح می‌شد که در ارتباط با چه جرائمی است بهتر می‌شد دآوری کرده؛ مثلاً کسی که جاسوسی کرده را با کسی که تخلفی جزئی در صلاحیت دادگاه انقلاب مرتکب شده است نمی‌توان با یک حکم قضاوت کرد.

- عبارت کسانی که علیه جمهوری اسلامی فعالیت و تبلیغ می‌کنند نیز مبهم و کلی است اضافه بر این‌که اگر منظور ارتکاب جرائم علیه امنیت باشد که در صلاحیت دادگاه انقلاب است و قبلاً نیز در مورد



چارچوبه را متفی سازد. مراکز نشر و چاپ و توزیع و فروش، تنها مطبوعات را منتشر نمی‌کنند بلکه کتب را نیز منتشر می‌سازند بدین جهت تعیین تکلیف برای وزارت ارشاد به این‌که تجسس در مطبوعات و مراکز نشر به عمل آورد نادرست است. به علاوه این‌که گفته شده «رأساً» محل اشکال است چرا که نظارت بر مطبوعات از وظایف هیئت نظارت است و فلسفه حقوقی آن نیز بیشتر قابل دفاع می‌باشد.

- قسمت دوم تبصره یک که در واقع اختیار فعلی هیئت نظارت را در لغو پروانه محدود می‌سازد امر مطلوبی است ولی حدود اختیارات صدر تبصره، محل ایراد است و غیرمنطبق با حقوق مطبوعات می‌باشد.

- رسیدگی به جرایم مطبوعاتی برابر اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه‌های دادگستری باید انجام پذیرد اما در قانون مطبوعات از دادگاه صالحه یاد شده است. برداشت اکثریت اعضا کمیته علمی از دادگاه‌های دادگستری، دادگاه‌های عمومی است و بر این عقیده‌اند که بهتر است رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی تجزیه نشود.

- تبصره ۳ نیازی به تصریح ندارد چرا که بیان اصل است و جز این نباید باشد.

ماده ۹ پیشنهادی برای الحاق موادی به قانون مطبوعات

- در تعیین افراد مورد اعتماد گروه‌های

محکومان آن عبارتی آمده بود. در مجموع به جز محکومیت کیفری مؤثر سالب حقوق اجتماعی با مبنای دیگری نمی‌شود حقوق شهروندی را محدود نمود.

ماده ۶ پیشنهادی برای الحاق ماده ۹ مکرر به قانون مطبوعات

- اشخاص حقوقی برابر اصول کلی حقوقی و قوانین مربوطه تا به ثبت نرسیده باشند، شخصیت حقوقی محسوب نمی‌شوند فلذا موارد مذکور در بند یک زائد است.

- بند ۲ ربطی به بند یک ندارد و قید آن زائد است البته در مجموع مشکلی از جهت حقوق مطبوعات نیز ایجاد نمی‌کند.

ماده ۷ پیشنهادی برای اصلاح ماده ۱۰ قانون مطبوعات

- به طور کلی هیئت نظارت باید مردمی‌تر شود نه عکس آن؛ در ضمن فلسفه حقوقی افزودن دو عضو به کمیته که ذکر شده روشن نیست و ابهاماتی را احتمالاً به وجود می‌آورد.

ماده ۸ پیشنهادی برای اصلاح ماده ۱۲ قانون مطبوعات و الحاق سه تبصره به آن

- منظور از نشریات در قانون مطبوعات همان مواردی است که در ماده یک قانون تعریف شده است لذا نمی‌توان عبارتی را در ماده دیگر به کار برد که آن

اجتماعی شخص را به نشریه تسری داده که این درست نیست.

- مورد ماده ۴۴ نیز محل ایراد است و روشن نیست بنا به چه مبنایی هیئت نظارت در هزینه بودجه عمومی - که در زمره اختیارات قوه مجریه و وزارتخانه مربوطه است - باید وارد شود، بدیهی است در صورت تخلف هر یک از سازمانها و نهادها در رعایت ضوابط مالی و اداری، مرجع ذیصلاح برای رسیدگی مشخص است و خلأیی در این خصوص وجود ندارد.

نتیجه و توصیه

در مجموع به نظر می‌رسد اصلاحیه حاضر مشکلات و مسائل متنوع نظام مطبوعات در ایران را مرتفع نمی‌سازد، بلکه بر ابهامات و نارسایی‌ها می‌افزاید. توصیه کمیته علمی در وهله نخست این است که به دور از شتاب‌زدگی و هیجان‌های سیاسی لازم است نظام جامعی برای مطبوعات تدوین نمود به نحوی که مشکلات فعلی را رفع نماید و زمینه تکامل حقوق مطبوعات و جامعه را مهیا سازد و در وهله ثانی در صورتی که اصلاحیه حاضر را نمایندگان محترم خواسته باشند مورد حکم و اصلاح قرار دهند استدعا می‌شود ایرادات وارده را رفع نمایند اگر چه مسائل و مشکلات متعددی همچنان مغفول می‌ماند.

□ □ □

مذکور در ماده ۳۵ برای هیئت منصفه باید به نحوی باشد که از هر گروه یک نفر در هیئت منصفه حضور داشته باشند و تضمین کننده وجدان عمومی جامعه باشند.

- شرایط هیئت منصفه مذکور در ماده ۳۶ ایرادی ندارد ولی مشخص نیست احراز شرایط بر عهده چه مرجعی است که این خود می‌تواند مشکل ساز شود.

- در ماده ۳۷ الحاقی عضو اصلی و علی‌البدل تمایزی ندارد که محل اشکال است. در ضمن اگر ملاک ۷ نفر است ابلاغ به ۱۳ نفر برای چیست؟ به علاوه اگر ۸ نفر حاضر بودند و ۴ به ۴ رأی دارند چگونه اکثریت را می‌شود سنجید؟

- قسمت آخر ماده ۲۸ الحاقی، محرومیت از حقوق اجتماعی را پیش‌بینی کرده که مجازات باز دارنده است. فلذا روند تفهیم اتهام رسیدگی به جرائم لازم است رعایت شود.

- برابر آنچه از تبصره یک ماده ۴۲ الحاقی می‌شود استنباط کرد هیئت منصفه فقط نقش مشورتی پیدا کرده و فلسفه وجودی آن از بین رفته است.

- این که برابر تبصره دو ماده ۴۲ الحاقی رأی برائت غیر قابل تجدیدنظر خواهی باشد نیز محل ایراد است و بهتر است قابل اعتراض به شمار آید.

- برابر ماده ۴۳ الحاقی محرومیت از حقوق